

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی
تربیه آموزشی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها
تربیه آموزشی

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله
تربیه آموزشی

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

مقایسه تطبیقی شرح ابن ابی الحدید و شرح ابن میثم در فهم معنای واژگان خطبه‌های 1 تا 34
نهج‌البلاغه

عزیزی، شهناز؛ دانشجوی دکتری دانشگاه علوم قرآن و حدیث قم (دارالحدیث)

Shahnazazizi40@gmail.com

چکیده

نهج البلاغه به عنوان یک اثر ارزشمند ادبی، علمی و معرفتی مورد توجه دانشمندان در رشته‌های مختلف اسلامی چون ادب، تاریخ، اخلاق، عرفان، حکمت و کلام، سیاست و حکمرانی و مدیریت، قرار دارد. ما اکنون وارث انبوهی از شرح‌های گوناگون بر نهج البلاغه هستیم که هر یک از منظری به این کتاب نگریسته‌اند. بیان و تحلیل معنای واژگان، پیش از آغاز تفسیر، شیوه‌ای عمومی در تفاسیر محسوب می‌گردد اما همه شارحان در یک سطح در تبیین و تحلیل واژگان، عمل نموده‌اند. تحلیل واژه، می‌تواند بر اساس منهج لغوی، ادبی، بلاغی، کلامی، فلسفی و عرفانی شکل بگیرد. در این مقاله مقایسه تطبیقی تحلیل و اجتهاد لغوی دو شارح بزرگ نهج البلاغه، "ابن ابی الحدید" و "ابن میثم" در "34 خطبه اول نهج البلاغه" ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها :

فهم واژگان عربی، واژه شناسی، فهم واژگان نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ابن میثم، مقایسه تطبیقی

مقدمه

از زمان گردآوری نهج البلاغه توسط نابغه قرن 4 هجری، محمد بن حسین موسوی معروف به سیدرضی، تاکنون توجه اندیشمندان بسیاری در شیعه و سنی، مسلمان و غیرمسلمان؛ به این کتاب جلب شده است. هر یک به قدر سعی و جودی خویش از آن بهره‌مند شده و تلاش نموده مرواریدهای صید کرده را در معرض دید دیگران قرار دهد. از این روی کتب متعدد با منهج‌های متنوع در تفهیم، تبیین و شرح سخنان امیرمومنان علی (علیه السلام) به رشته‌ی تحریر در آمده است.

واژه پژوهی در شروع نهج البلاغه

میان انبوه شروع نهج البلاغه، 9 شرح مطرح وجود دارد که هر یک به نحوی به واژه پژوهی پرداخته‌اند:

1. کهن‌ترین شرح موجود و مطبوع "معارج نهج البلاغه" به زبان عربی و تالیف "ابوالحسن علی بن زید بیهقی" (565 ه.ق) است. این کتاب شرحی تطبیقی به شمار می‌آید چراکه سخنان امام را با سخنان بزرگان و حکما مقایسه و توسط آنها تبیین می‌نماید. بیهقی با ذکر نکات ادبی، بلاغی و پاسخ به شبهات؛ از بحث‌های فقهی، نجومی، طبی و فلسفی را به مناسبت آورده است. (بیهقی، 1409ق، ص 4، 13، 236)
2. "منهاج البراعه" اثر "قطب الدین راوندی" (573 ه.ق) دانشمند قرن 6 است که در این شرح به اختصار از مباحث ادبی و واژه شناسی، استناد به آیات قرآن، استفاده از حدیث و ذکر نکات

- بلاغی بهره برده است. (منهاج البراعه، 1364، ج 1، صص 25-26-31-43-44-91-92-208-249)
3. شرح نهج البلاغه "ابن ابی الحدید معتزلی" دانشمند سنی معتزلی مذهب قرن 6 و 7 هجری که گسترده ترین و استوار ترین شرح محسوب می شود. افزون بر تلاش در اثبات اصالت نهج البلاغه، شرح واژگان دشواریاب و بیان مثلهای عرب، مباحث ادبی گسترده و عمیق، نسب شناسی، گزارش های تاریخی، استناد به متون مقدس (قرآن، حدیث و خبر) و آوردن حکمتهای منسوب به مولا؛ از ویژگی های این شرح است. (شرح نهج البلاغه، 1388، ج 1، مقدمه)
4. شرح نهج البلاغه "ابن میثم بحرانی" متکلم و دانشمند قرن 7 هجری که به دستور عظاملک جوینی، شرح مفصلی بر نهج البلاغه نگاشت که به "شرح کبیر" معروف است. این کتاب را دو بار خلاصه کرده، آنها "شرح متوسط" و "شرح صغیر" نام نهاد. تبیین قواعد ادبی، مباحث کلامی، اسباب صدور، استنادات قرآنی و تبیین واژه ها از ویژگی های این شرح است. (شرح نهج البلاغه، 1389، ج 1، مقدمه)
5. "شرح منهاج البراعه" اثر "هاشمی خوئی" فقیه و ادیب اواخر قرن 13 و اوایل قرن 14 هجری است. او شرح خود را روایی می داند. تقسیم بندی خطبه ها و نامه ها، ترجمه، تبیین واژه ها، قواعد صرف و نحو، و شرح گسترده از ممیزات این شرح است. (حجتی، سید محمد باقر، 1368، ویژگیهای شرح منهاج البراعه خوئی، فصلنامه مقالات و بررسیها، ش 47 و 48)
6. "فی ظلال نهج البلاغه" اثر "محمد جواد مغنیه" قرآن پژوه معاصر لبنانی که تقسیم خطبه ها و نامه ها، عناوین رسا، تبیین واژه ها، قواعد صرف و نحو، تبیین عبارت، بخش المنبر برای مبلغین و روزآمدی از ویژگی های آن است. (مغنیه، مقدمه)
7. "بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه" نوشته ی علامه محمدتقی شوشتری دانشمند معاصر است. شرح موضوعی، مباحث لغوی و ادبی از ممیزات آن است. تمایز اصلی این کتاب، طبقه بندی نهج البلاغه در 60 موضوع و 104 زیرعنوان است. (شوشتری، 1376، ج 1، مقدمه)
8. "ترجمه و تفسیر نهج البلاغه" شرح فارسی از "علامه محمدتقی جعفری" است که مباحث استطرادی فراوانی دارد. تحلیل شخصیت امیرمومنان علی (علیه السلام)، ترجمه مفهومی، رابطه قرآن و نهج البلاغه، ذکر اشعار فارسی و عربی، نیز بیان موضوعات تخصصی ویژگی این شرح است. (جعفری، 1357، ج 1، مقدمه)
9. "پیام امام" اثر آیه الله مکارم شیرازی دانشمند معاصر است. رابطه قرآن و نهج البلاغه، تقسیم بندی خطبه ها، تصویر کلی، نکته ها (درپایان هر بخش)، و نکات ادبی؛ ویژگی های این کتاب است. (مکارم شیرازی، 1386، ج 1، مقدمه)

با شناخت از رویکردها و ممیزات هر یک از شروح مطرح، می‌توان در فهم واژگان و دریافت مقصود امام؛ به هر یک از این شروح مراجعه کرد و یا منابع مورد نیاز را بنا بر اولویت انتخاب کرده و جهت فهم لغوی پیشینیان، بدانها رجوع نمود.

در میان شروح معرفی شده، ابن ابی الحدید معتزلی که در تاریخ و لغت تخصص داشته؛ شرحی با صبغی تاریخی و تحلیل‌های عمیق واژگانی نوشته است. ابن میثم بحرانی در کلام چیره دست بوده؛ شرحی با رویکرد تحلیل‌های کلامی سامان داده اما به تبیین لغات نیز توجه کرده است.

به جهت تلاش تخصصی این دو دانشمند؛ منهج لغوی این دو شرح را در 34 خطبه اول نهج‌البلاغه مقایسه می‌کنیم.

ابن ابی الحدید کیست؟

ابوحامد عبدالحمید بن هبئه الله بن محمد بن محمد بن حسین بن ابی الحدید، عزالدین مدائنی معتزلی؛ معروف به "ابن ابی الحدید" در اوایل ذی الحجه سال 586 قمری به دنیا آمد و در پی حمله‌ی هولاکوخان به بغداد در سال 655 قمری، محکوم به اعدام شد ولی با شفاعت ابن العلقمی وزیر و وساطت خواجه نصیرالدین طوسی از مرگ رهید. اما پس از مدت کوتاهی در بغداد درگذشت. او در ایام جوانی و پس از مطالعه در مورد مذاهب ابتدا به مذهب تشیع گروید و سپس به اعتزال روی آورد. طبق تصریح خودش به عنوان "معتزلی جاحظی" شناخته می‌شود که در اصول "معتزلی" و در فروع "شافعی" است. اما برخی همچون ابن کثیر او را "شیعه غالی" می‌دانند.

ابن ابی الحدید دانشمند، فقیه، نویسنده متبحر، شاعر نیکوسرا، متکلم جدلی و از فحول و نوابغ تاریخدان است که در عصر چهارم عباسی، روزگار طلایی شکوفایی علم و ادب درخشید. مهمترین آثار او عبارتند از: الفلک الدائر علی المثل السائر، نظم "فصیح" ثعلب، القوائد السبع العلویات، تعلیقات علی کتاب المحصل و المحصول فخرالدین رازی، الاعتبار علی کتاب الذریعه فی اصول الشریعه، الحواشی علی کتاب المفصل فی علم نحو و شرح نهج‌البلاغه.

ابن ابی الحدید خود عزم بر نگاشتن "شرح نهج‌البلاغه" را داشته و دستور "ابن علقمی" عزم وی را جزم نموده است. این کتاب، یکی از مهمترین منابع تاریخی است که در لابلائی شرح سخنان امام علی (علیه‌السلام) به مناسبت‌های گوناگون، وقایع تاریخی را نقل کرده که امروزه از مهمترین منابع استشهاد است.

ابن ابی الحدید ادیبی ناقد، ژرف‌نگر و آگاه از محاسن و معایب سخن، دانای به علم لغت، مسلط بر لغات و شناسای اخبار عرب بود که نکات جالب و ظریف را از بر داشت. کتابها و نوشته‌های زمان خویش را خوب

خوانده و فراگرفته بود. کتابش موسوم به "الفلک الدائر علی المثل السائر" دلیلی بر استادی و ژرف نگری وی در نقد شعر و فنون مختلف است. (الحسینی الخطیب، 1405ق، ج 1، ص 217؛ آصف فکرت، 1416ق، ج 2، ص 301؛ الکتبی، ج 1، ص 246؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، صص 20-27)

ابن میثم کیست؟

شیخ میثم بحرانی ملقب به "کمال الدین"، "مفیدالدین" و "عالم ربانی" در مجمع الجزایر بحرین به دنیا آمد و پس از وفات در مقبره جدش "المعلی" در قریه "هلتا" از قراء بحرین به خاک سپرده شد. از ابن میثم تالیفات فراوانی نام برده اند. (امتیاز علی خان عرشی، 1363، ص 133) از جمله "مصباح السالکین، اختیار مصباح السالکین، منهج العارفین فی شرح کلمات امیرالمومنین (ع) و شرح کبیر نهج البلاغه که آخرین بار سال 1384 ق، موسسه النصر از روی نسخه مصر در پنج جلد چاپ کرده است. (همان) بنا به روایتی وی شرح خود را در 677 ق به پایان برده است. (همان، ص 134) حال اگر تاریخ وفات ایشان را 679 ق بدانیم؛ کتابت شرح، دو سال قبل از فوتش پایان یافته است. حوادث زمان و تاخت و تازهای مغولان در آغاز، موجب گرفتاریهای فراوانی شد اما با نفوذ افرادی چون خواجه نصیرالدین طوسی و عطاملک جوینی در دستگاه حاکم، از مشکلات کاسته شد و راه برای تلاشهای علمی هموار شد. ابن میثم نیز فرصت یافت به بغداد سفر کند و شرح نهج البلاغه خود را با اشاره عطاملک جوینی که انسانی فاضل و علم دوست بود، تدوین نماید.

شرح او یک شرح کلامی و فلسفی است. اوبه جنبه‌های عقلی و کلامی سخنان امام (ع) بهای بیشتری داده اما مباحث ادبی، بلاغی و الفاظ را هم فراموش نکرده است.

مقایسه تطبیقی واژه پژوهی شرح ابن ابی الحدید و ابن میثم

منهج ابن ابی الحدید و ابن میثم در بررسی معنای واژگان را در ده محور و در 34 خطبه آغازین، مقایسه می‌کنیم:

1. دست یابی به گوهر معنایی

خاستگاه اصلی کلمه، مفهوم اولیه و بسیط آن را اصل و گوهر معنایی واژه می‌گویند. شناخت گوهر معنایی و روح واژه به ما کمک می‌کند ظرافتهای موجود در آن کلمه با واژه‌های مترادف و نیز معانی متعدد استعمالی را به خوبی درک کنیم.

در خطبه اول نهج البلاغه آمده است: " و یولھون الیہ ولہ الحمام ".

ابن ابی الحدید در شرح واژه "وله" پس از بیان معنای کلمه، و آوردن جملاتی به عنوان شاهد در استعمالات واژه در کلام عرب، اصل و گوهر معنایی کلمه "اله" ذکر می‌کند که به معنای "عبد" است. و توضیح می‌دهد که "از این رو الاله یعنی معبود، و از آنجا که پناه بردن به چیزی مانند عبادت آن است به خاطر همراهی و ملازمت با آن چیز و انقطاع از همه چیز به سوی آن، گفته شده: اله فلان الی کذا یعنی به آن پناه برد. گویی آن را عبادت و پرستش می‌کند، و در اینجا مجاز نیست که گفته شود: "یالهن الیه" به معنی "یولهن" است ... " (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، ص 155)

ابن میثم صرفا منظور امام را از این جمله بیان نموده و نوشته است: "این سخن امام (ع) اشاره به این دارد که مردم هر سالی اشتیاق دارند که به مکه بروند چنان که کبوتران ساکن حرم بدان مکان انس دارند." (ابن میثم، 1389، ج 1، ص 466)

2. یافتن ظرافت‌های معنایی

در کلمات عرب، گاه الفاظ مترادف بکار می‌روند که هر کدام وضع ویژه خود و ظرافت‌های خاص خود را دارند. دانستن این ظرافت‌ها در فهم واژه بسیار مهم است.

در خطبه اول، در بیان معنای "الریح الزعزع" ابن ابی الحدید می‌نویسد: "بادی که بسیار شدید می‌وزد؛ همچنین است معنای قاصفه؛ گویی به خاطر شدت وزش خود، مردم را هلاک می‌سازد." (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، ص 118)

ابن میثم مفصل‌تر از ابن ابی الحدید، صفات بادهای و ظرافت‌های معنایی آنها را تبیین می‌نماید و می‌نویسد: "اما تشبیه امر اول (عالم امر) به باد وزنده برای این است که چون ایجاد امر اول متوقف بر زمان نبوده و دفعتا حاصل شده است، شبیه ترین جسم، در سرعت و نفوذ به باد وزنده است، زیرا باد سریعترین جسم متحرک می‌باشد و برای همین امام (ع) باد وزنده را به صفت عصف تاکید آورده است تا سرعت کامل را تقریر کند. خداوند می‌فرماید: امر ما واحد است، مانند چشم بر هم زدن و باز باد وزان را به صفت زعزع و قصف توصیف فرموده برای بیان نیرومندی باد و شدت و زندگی آن." (ابن میثم، 1389، ج 1، ص 309)

3. تحلیل لغات کلیدی متن با توجه به نقش حرف جر در ایجاد تفاوت معنایی

یکی از خصوصیات زبان عربی این است که افعال با تفاوت حروف جر، تفاوت معنایی پیدا می‌کنند. به عنوان مثال در خطبه پنجم نهج البلاغه آمده است: "عرجوا عن طریق المنافره"

ابن ابی الحدید به این نکته توجه کرده و گفته است: "التعریج هم با "عن" و هم با "علی" متعدی می‌شود. اگر با "عن" متعدی شود، مراد از آن دوری و کناره گیری است، وهنگامی که با "علی" متعدی شود، اراده وقوف و ماندن از آن شده است؛ در حالیکه در کلام علی (علیه‌السلام) متعدی به "عن" است. حضرت فرمود: عرجوا عن طریق المنافره یعنی از منافره دوری و کناره گیری کنید." (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، ص 263) اما ابن میثم به این ظرافتها نپرداخته و صرفا مقصود کلی جمله را بیان کرده است: "این کلام امام (ع) دستوری است برای کناره گیری از راه تفرقه به راه آرامش وسلامت و آنچه سبب آرامش فتنه می‌شود." (ابن میثم، 1389، ج 2، ص 55)

4. تحلیل لغات کلیدی متن با توجه به نقش تفاوت‌های واژگان

تفاوت‌های واژگان کلمات مترادف، نکاتی ارزنده در معنای لغت را هویدا می‌سازد. در خطبه دهم، واژه "ماتح" استعمال شده که مترادف آن "مایح" است. "و ایم الله لافرطن لهم حوزا انا ماتحه". اما چرا امام (ع) این واژه را برگزیده است؟

ابن ابی الحدید می‌نویسد: "ماتح: آب کش. مایح: کسی که در چاه می‌رود و دلو را پر می‌کند. و به ابن علی (رحمه الله) گفته شد: فرق بین ماتح و مایح چیست؟ گفت: مثل اعراب آنهاست. یعنی تاء دونقطه در بالا دارد و ماتح کسی است که از بالای چاه، آب می‌کشد و یاء دو نقطه در زیر دارد و مایح کسی است که از پایین چاه، آب دلو را پر می‌کند. و معنی سخن: "اناماتحه" یعنی من به آن آگاهم، چنان کسی که آگاهی به وضعیت خانه‌ای را مدعی است می‌گوید: من خودم این خانه را بنا کردم، و این سخن استعاره است. ایشان (علیه‌السلام) می‌گوید: حوض جنگ را برایشان پرمی‌کنم که این عادت و شیوه من است، یا به سوی حوض جنگ پیشی می‌گیرم که من در این کار سخت آزموده‌ام و اگر بدان داخل شوند دیگر از آن خارج نخواهند شد. یعنی حضرت آن‌ها را می‌کشد و جانشان را می‌گیرد و هر کس از آن گریزد دیگر به آن باز نمی‌گردد." (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، ص 287) ابن میثم نیز چنین واژه را تبیین می‌نماید: "افراط حوض را برای جمع آوری سپاه و فراهم کردن ابزار جنگ استعاره آورده است و "اناماتحه" را کنایه از این آورده است که خود سرپرستی و اختیار این جنگ را به عهده خواهد داشت. از این جهت که جنگ شبیه دریا و آب فراوان است، اوصاف آب را برای آن استعاره آورده است. در مثل گفته می‌شود فلان غواص غمرات و فلان متغمس فی الحرب، یعنی فلان کس در گردابها فرو رفت و فلانی در جنگ غوطه ور شد. جایز است در این جا لفظ حوض را استعاره بیاورد و آن را با کلمات "متح" و "فرط" و "اصدار" و "ایراد" ترشیحیه کند. امام با اختصاص "متح" به نفس خود تهدید آنها را تاکید می‌کند، زیرا آنها به سختی و شجاعت او آگاه بودند. مضاف الیه ماتح در حقیقت حذف شده است و تقدیر آن چنین بوده است: انه ماتح ماءه زیرا آب از حوض قابل کشیدن است. سپس استعداد خود را در سخت گرفتن بر آنها توصیف می‌کند و به کنایه می‌فرماید هر که در

آنحوض وارد شد نجات پیدا نمی‌کند و به منزله کسی خواهد بود که غرق می‌شود و هر کس جان سالم به در برد دوباره به میدان جنگ بر نمی‌گردد و مجدداً در صدد تهیه تدارکات جنگ بر نمی‌آید، و سپس این حقیقت را با سوگند خالق متعال تأکید می‌فرماید. " (ابن میثم، 1389، ج 2، ص 74)

5. بررسی وزن کلمه و تفاوت معنایی اشتقاقات آن

اشتقاقات یک کلمه وجوه معنایی آن را روشن می‌کند. در آغاز بسیاری از خطبه‌ها، حمدالهی وجود دارد. در خطبه‌ی نخستین، ابن ابی الحدید، حمد را موشکافانه در اوزان مختلف آن معنا می‌کند: "مدحه" بر وزن "فعله" (به کسر ف) بر هیئت دلالت کرده و چگونگی مدح رامی‌رساند. و نیز تبیین واژه "صفین" تحلیل ادبی واژه و بیان اشتقاق آن. (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، ص 165)

اما ابن میثم صرفاً می‌نویسد که امام (ع) سر آغاز خطبه‌ها با حمد را آغاز نموده و واژه و اشتقاقات آن را بررسی نکرده یا در معنای "صفین" تنها می‌نویسد: "نام محلی در شام" (ابن میثم، 1389، ج 1، ص 471)

6. نقش اوزان در ایجاد تفاوت معنایی

یک ماده در اوزان مختلف، معنای متفاوت پیدا می‌کند. در خطبه شانزدهم آمده است: "حق و باطل و لکل اهل. فلئن امر الباطل لقدیما فعل".

ابن ابی الحدید در معنای "لقدیما فعل" می‌نویسد: "از قدیم فعل باطل چنین بوده است ... "فعل" به معنای "انفعل" بکار رفته مانند قول شاعر "قد جبر الدین الاله فجبر". یعنی "فانجبر" (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، ص 323) اما ابن میثم به این ظرافت در تحلیل معنای واژه توجه نکرده است. (ابن میثم، 1389، ج 2، ص 106) همچنین در خطبه هفدهم جمله "لیس فیهم سلعة ابور من الکتاب اذا تلی حق تلاوته." ابن ابی الحدید "ابور" را تحلیل نموده می‌نویسد: "ابور بروزن" "افعل" از "بور": فاسد، بار الشیء، یعنی آنچه فاسد شد، "بارت السلعه"، مراد در اینجا این است که کساد و بی‌رونق شد و به فروش نرفت و در اینجا مراد همین است. (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، ص 335) و اما ابن میثم به توضیح معنای جمله پرداخته و به نقش وزن در تفاوت معنا اشاره‌ای نکرده است. (ابن میثم، 1389، ج 2، ص 137)

7. تحلیل لغات کلیدی متن با بیان اشتراک معنوی

مشترک معنوی واژه‌ای است که برای مفهوم عام مشترک میان افراد و مصادیق وضع شده باشد. لفظی است که معنای آن متعدد است؛ اما دارای وضع متعدد نیست و همه افراد و مصادیق آن دارای معنای جامع و مشترک است؛ مانند جسم که بر زمین، انسان و سایر اجسام اطلاق می‌شود، زیرا همه اینها در معنای جسم

بودن مشترک است، بنابراین، مشترک معنوی همان لفظ کلی در اصطلاح علم منطق است که قابل انطباق بر افراد و مصادیق بسیار است.

در خطبه شانزدهم عبارت " سفهت حلومکم " لفظ "سفه" را ابن ابی الحدید چنین تبیین می‌نماید: " سفه فلان به کسر یعنی سفیه گردید و سفه به ضم، همین معنا را دارد. . . و قول اعراب: "سفه فلان نفسه و غبن رایه و بطر عیشه و الم بطنه و رفق حاله و رشد امره" اصل در تمام این عبارات این است که "سفهت نفس زید." (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1 ص 316) اما ابن میثم تنها می‌نویسد: "بیانگر توصیف مردم بصره به کم خردی، سبکی و کم صبری است." (ابن میثم، 1389، ج 2، ص 90)

8. استناد به قرآن

یکی از روشهای مطمئن در یافتن معنای حقیقی واژه، رجوع به آیات قرآن است. ابن ابی الحدید از این شیوه بهره گرفته است. به عنوان مثال در خطبه اول و معنای "شقوة" آیه 106 سوره مومنون را شاهد آورده است: "ربنا غلبت علينا شقوتنا." (ابن ابی الحدید، ج 1، ص 128) و یا در بیان معنای "مثلات" یعنی "عقوبت‌ها" به قول خداوند استشهد می‌نماید: "ويستعجلونك بالسيئة قبل الحسنة و قد خلت من قبلهم المثلات." (همان) ابن میثم نیز به فراوانی و حتی گاه خیلی پررنگ تر از ابن ابی الحدید از آیات قرآن جهت توضیح معانی استفاده نموده است. (ابن میثم، ج 1، صص 356-357) نیز در خطبه سی و چهارم و ذیل عبارت "اذا دعوتکم الی جهاد عدوکم دارت اعینکم " ابن ابی الحدید و ابن میثم از آیات قرآن در تبیین معنا بهره برده‌اند. ابن ابی الحدید آورده است: " دارت اعینکم از سخن خدای تعالی "ینظرون الیک نظر المغشی علیه من الموت." (محمد/1) و "تدور اعینهم کالذی یغشی علیه من الموت." (احزاب/19) گرفته شده است. (ابن ابی الحدید، 1392، ج 2، ص 181؛ ابن میثم، 1389، ج 2، ص 343)

9. استناد به روایات

گاه برای یافتن حقیقت معنایی واژه، روایات معصومین (علیهم‌السلام) راهگشا هستند. در خطبه سوم و در عبارت " ان اشق لها خرم " ابن ابی الحدید با استفاده از حدیثی از رسول اعظم (ص) واژه را تحلیل نموده می‌نویسد: " و روایت شده که "ان رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) خطب الناس و هو علی ناقه قد شق لها و هی تقصع بجرتها." رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی که بر شتر سوار بود برای مردم خطبه خواند، در حالیکه افسار شتر را کشیده و شتر در حال نشخوار بود. " (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، ص 213) ابن میثم نیز در شرح خود از روایات معصومین (ع) استفاده نموده اما در خصوص این مورد از حدیث جهت روشن نمودن معنا استفاده نکرده است. (ابن میثم، 1389، ج 2، ص 20)

10. استفاده از اشعار در تبیین واژه‌ها

ابن ابی الحدید در شرح خویش از 8000 بیت شعر استفاده کرده که بخشی از این اشعار در تبیین صرفی، نحوی و لغوی واژگان سخنان امیربیان علی (علیه‌السلام) است. با استناد به شعر ولغت اصیل عرب، ضمن غنا بخشیدن به شرح خود و ایجاد تنوع؛ مفهوم سخنان امام را روشن و درازهان پایداری می‌بخشد.

به طور مثال، وقتی در خطبه اول، "سنها بالماء" را معنا می‌کند؛ شعری از عبدالرحمن بن حسان ثابت انصاری که در آن نسبت به رمله بنت معاویه ابراز عشق می‌کند؛ شاهد می‌آورد: (ابن ابی الحدید، 1392، ج 1، ص 127)

ثم خاصرتها لی قبه الحض راء تمشی فی مرمر مسنون

اما ابن میثم از شعر در تحلیل واژگانی استفاده نکرده است.

نتیجه گیری

از میان 9 شرح مطرح بر نهج‌البلاغه که هر کدام به نحوی به مباحث واژه پژوهی و اجتهاد در یافتن معنا پرداخته‌اند؛ برخی قوی عمل نموده‌اند و برخی رویکردی ضعیف داشته‌اند. در این میان دو شرح مشهورتر، "شرح ابن ابی الحدید" و "شرح ابن میثم" در واژه شناسی، مورد اقبال قرار گرفته‌اند. در این مقاله با مقایسه تطبیقی اجتهاد لغوی این دو شرح، دریافتیم که "ابن ابی الحدید" در اجتهاد لغوی بسیار قوی‌تر از "ابن میثم" عمل نموده است. وی به گوهر معنایی واژه، اشتراک معنوی، تفاوت‌های معنایی در اثر وجود حرف جر، اوزان و اشتقاقیات مختلف و استناد به اشعار بسیار قوی و عمیق وارد شده در حالیکه در اغلب موارد "ابن میثم" به گزارشی کلی اکتفا نموده است. بنابراین در واکاوی و ژرف اندیشی لغوی، "شرح ابن ابی الحدید" قابلیت‌های بیشتری فراروی محققین قرار می‌دهد.

1. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه: غلامرضا لایقی، نیستان، تهران، 1388، ج 2، ج 1 و 2.
2. ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ترجمه: محمدی مقدم و یحیی زاده، آستان قدس، مشهد، ج 4.
3. امتیاز علی خان عرشی، استناد نهج البلاغه، مترجم: آیت الله زاده شیرازی، امیرکبیر، تهران، 1363.
4. آصف فکرت، محمد، دائرة المعارف الاسلامیة الكبرى، ایران، 1416 ق، ج 1، ج 2.
5. بیهقی، ابی الحسن علی بن زید، معارج نهج البلاغه، تحقیق: محمدتقی دانش پژوه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی العامه، 1409 ق.
6. جعفری تبریزی، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1357 .
7. حجتی، سیدمحمد باقر، ویژگیهای شرح منهاج البراعة خوئی، فصلنامه مقالات و بررسیها، شماره 47 و 48، 1368.
8. الحسینی الخطیب، السید عبدالزهراء، مصادر نهج البلاغه و اسانیده، دار الاضواء، بیروت، 1405 ق، ج 3، ج 1.
9. راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، 1364، ج 1.
10. شوشتری، محمد تقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، امیرکبیر، تهران، 1376 .
11. الکتبی، محمدبن شاکر، فوات الوفیات و الذیل علیها، تحقیق: احسان عباس، دار صادر، بیروت، بی تا، ج 1.
12. مغنیه، محمد جواد، فی ظلال نهج البلاغه، دارالعلم، بیروت .
13. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمومنین (ع)، دارالکتب الاسلامیة، تهران، 1386.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله